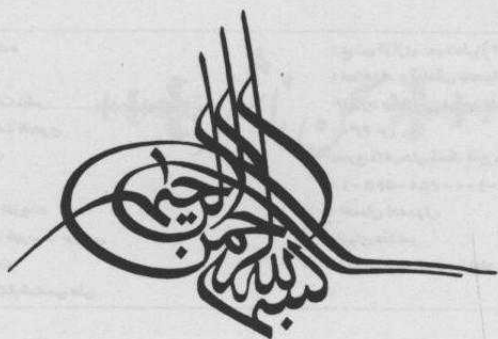


۱۵۳۱۰۲۴



استعداد و آمادگی تحصیلی

سری کتاب‌های کمک آموزشی کارشناسی ارشد

مجموعه مدیریت کسب و کار (MBA)

مؤلف و ناظر علمی:

سید علی مدنی کزازی، احسان احمدیان

سرشناسه	مدنی کزازی، سیدعلی (۱۳۶۴)
عنوان	استعداد و آمادگی تحصیلی
مشخصات نشر	تهران: مشاوران صعود ماهان، ۱۳۹۶
مشخصات ظاهری	۴۳۰ ص
فروست	سری کتابهای کمک آموزشی کارشناسی ارشد
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۴۵۸-۵۶۵-۱
شناسه افزوده	احسان احمدیان
وضعیت فهرست نویسی	فهرست مختصر
یادداشت	این مدرک در آدرس http://opac.nlaj.ir قابل دسترسی است.
شماره کتابشناسی ملی	:



کتاب: استعداد و آمادگی تحصیلی
 مدیر مسئول: هادی سیاری، مجید سیاری
 مولف و ناظر علمی: مدنی کزازی، احسان احمدیان
 ناشر: مشاوران صعود ماهان
 مسئول تولید محتوا: سمیه بیگی
 نوبت و تاریخ چاپ: اول / ۹۶
 تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
 قیمت: ۴۰۰ / ریال
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۵۸-۵۶۵-۱

انتشارات مشاوران صعود ماهان: خیابان ولیعصر، بالاتر از تقاطع مدیری.

روبروی قنادی هتل بزرگ تهران، جنب بانک ملی، پلاک ۲۰۵۰

تلفن: ۴-۸۸۱۰۰۱۱۳

*** سخن مؤلف ***

مقدمه مؤلف

سلام....

برای اساتیدی که دغدغه وجودشان را برای آموختن خدا کردند

بالاخص اساتید بزرگ زندگی

این دست نوشته ای که از حدش بیش از حد محنتی است که معلم برای ما ساخته اند

با دستان و وجودشان و نفسهایشان برای ما ساخته شده است

خانم طاهری

این داستان واقعی است....

خانم «طاهری» معلم کلاس پنجم ابتدایی در اولین سال مدرسه مقابل دانش آموزان ایستاد و به چهره دانش آموزانش خیره شد و مانند اکثر معلمان دیگر به دروغ به بچه ها گفت که همه آنها را به یک نمره دوست دارد. اما این غیرممکن بود. چرا که در ردیف جلو پسر بچه ای به نام «مهدی صادقی» درصندلی خود فرو رفته بود که چندان مورد توجه معلم قرار نداشت. خانم «طاهری» سال قبل «مهدی» را دیده بود و متوجه شده بود که او با بقیه بچه ها بازی نمی کند. اینکه اساتید کتیف هستند و او همواره به استحمام نیاز دارد. برای همین «مهدی» فردی نامطلوب قلمداد می شد.

این وضعیت چنان خانم «طاهری» را تحت تاثیر قرار داد که او عملیات پایش را به برگه امتحانی اش درج می کرد. در مدرسه ای که خانم «طاهری» تدریس می کرد، لازم بود تا او شرح گذشته تحصیل همه دانش آموزانش را مورد بررسی قرار بدهد. او «صادقی» را در نوبت آخر قرار داد. با این حال وقتی پرونده وی را مرور کرد، بسیار سست زد شد. معلم کلاس اول «مهدی» نوشته بود او بچه ای باهوش است که همیشه برای خندیدن آمادگی دارد و او تکلیفش را مرتب انجام می دهد و رفتار خوبی دارد. او از اینکه دور و برش شلوغ باشد، خوشحال می شود.

معلم کلاس دوم نوشته بود: «مهدی» دانش آموز بسیار باهوش و با استعداد است. همکلاسی هایش او را دوست دارند اما او اخیراً به خاطر ابتلاء مادرش به یک بیماری لاعلاج دچار مشکل شده. و احتمالاً زندگی اش سخت شده است.

معلم کلاس سوم نوشته بود مرگ مادرش بسیار سخت تمام شد. او تلاش میکند تا هرچه در توان دارد به کار بندد، اما پدرش چنان علاقه ای از خودش چندان علاقه ای نشان نمی دهد. اگر در این خصوص اقدامی نشود زندگی شخصی اش دچار مشکل خواهد شد.

معلم کلاس چهارم نوشته بود: «مهدی» انزواطلب است و علاقه چندان به مدرسه نشان نمی دهد. او دوستان زیادی ندارد و گاهی سر کلاس خوابش می برد.

اکنون خانم «طاهری» مشکل وی را شناخته بود به خاطر همین از رفتار خود شرمسار شد. او حتی وقتی که دید همه دانش آموزانش به جز «مهدی» هدایای روز معلم او را با کادوها و روبان های رنگارنگ زیبا بسته بندی کرده اند، حالش بدتر شد. هدیه «مهدی» با بد سلیقه ای در میان یک کاغذ ضخیم قهوه ای رنگ پیچیده شده بود که او آن را از پاکت های خود درست کرده بود.

خانم «طاهری» برای باز کردن آن در بین هدایای دیگر دچار عذاب روحی شده بود. وقتی او یک گردنبند بدلی کهنه را که تعدادی از نگین‌های آن هم افتاده بود به همراه یک شیشه عطرمصرف شده که یک چهارم آن باقی مانده بود از لای کاغذ قهوه‌ای رنگ بیرون کشید. گروهی از بچه‌های کلاس شلیک خنده سر دادند. اما او خنده استهزاءآمیز بچه‌ها را با تحسین گردنبند خاموش کرد. سپس آن را به گردن آویخت و مقداری از عطر را نیز به مچ دستش پاشید.

حرکت بعدی «مهدی» کاملاً خانم «طاهری» را منقلب کرد. او مدت‌ها منتظر ماند تا اینکه سرانجام خانم معلم خود را تنها گیر آورد. سپس به وی گفت: خانم معلم امروز شما دقیقاً بوی مادرم را می‌دهید.

خانم «طاهری» هاج و واج به او نگریست. پس از خوردن زنگ آخر رفتن بچه‌ها او یک ساعت در کلاس نشست و اشک ریخت. از آن روز به بعد او دیگر تدریس را صرفاً به آموختن خواندن و نوشتن و ریاضیات محدود نکرد. بلکه تلاش کرد تا به بچه‌ها درس زندگی هم بیاموزد.

خانم «طاهری» بخصوص توجه خویش را به «مهدی» معطوف کرد. همچنانکه با پسرک کار می‌کرد گویی ذهن وی دوباره زنده می‌شد. هرچه بیشتر او را تشویق می‌کرد. پسرک بیشتر عکس العمل نشان می‌داد.

در پایان سال «مهدی» یکی از بهترین دانش‌آموزان محسوب می‌شد. خانم طاهری علی‌رغم ادعایش که گفته بود که همه بچه‌ها را به یک اندازه دوست دارد اما این بار هم دروغ می‌گفت. چرا که تعلق خاطر ویژه‌ای نسبت به «مهدی» داشت. یک سال بعد او نامه‌ای از طرف «مهدی» دریافت کرد که در آن نوشته بود او بهترین معلم در تمام زندگی‌اش بود.

۷ سال بعد خانم طاهری در حالی که به تازگی با دیدن صحنه‌ای جلوی تلویزیون خشکش زد. مهدی صادقی رتبه برتر کنکور سراسری رشته ریاضی در سال مصاحبه‌گر از او سوال کرد تأثیرگذارترین فرد زندگی‌اش که بود: او گفت معلم کلاس پنجم دبستان. خانم طاهری.

شش سال دیگر نیز سیری شد تا اینکه نامه‌ای از طرف «مهدی» دریافت کرد. «مهدی» در این نامه نوشته بود درحال فارغ التحصیل شدن از دانشگاه صنعتی شریف و مقطع فیزیک است. سپس مهندسی برق با رتبه عالی است. او بار دیگر به خانم «طاهری» اطمینان داده بود که وی را همچنان بهترین معلم تمام زندگی‌اش می‌داند.

سپس چهار سال دیگر نیز مثل برق و باد گذشت. نامه چهارم «مهدی» اذعان می‌کرد که او به زودی به درجه دکترا از یکی از دانشگاه‌های آمریکا نایل خواهد آمد. او نوشته بود که می‌خواهد بعد از فارغ شدن از دکترا به ایران برگردد و به پدرش کمک کند و بار دیگر احساس قلبی خود را در خصوص وی تکرار کرده بود.

ماجرا به همین جا خاتمه نیافت.

بهار سال بعد نامه دیگری از طرف «مهدی» به دست خانم «طاهری» رسید. در این نامه خود نوشته بود که با دختری آشنا شده و می‌خواهد با وی ازدواج کند. «مهدی» اظهار کرده بود از آنجا که چند سالی است پدرش را از دست داده موجب افتخارش خواهد بود اگر خانم «طاهری» بپذیرد و به جای مادر داماد در مراسم عقد حضور داشته باشد. و البته خانم «طاهری» بپذیرفت.

حدس می‌زنید چه اتفاقی افتاد؟

او در مراسم عروسی همان گردنبندی را که در گردن آویخت که چند نگینش افتاده بود و همان بوی عطر را که مصرف کرده بود که خاطره مادر «مهدی» را در یاد او زنده می‌کرد.

در مراسم عروسی «مهدی» با دیدن خانم «طاهری» لبخند رضایت بر لبانش نشست پیش رفت و موءدبانه و با اجازه دست او را گرفت. خانم طاهری دیگر سن زیادی داشت ولی به مانند روز نخست به چشمان مهدی نگاه می‌کرد، بوسه‌ای بر پشت آن زد و آهسته در گوش خانم معلم خود گفت: متشکرم خانم «طاهری» که مرا باور کردید. بسیار متشکرم از اینکه احساس مهم بودن را در درونم بیدار کردید و به من نشان دادید که می‌توانم مهم و تأثیرگذار باشم.

خانم «طاهری» که اشک در چشمانش جمع شده بود آهسته پاسخ داد. تو کاملاً در اشتباهی! «مهدی» این تو بودی که به من آموختی می‌توانم مهم و تأثیرگذار باشم. در آن زمان من اصلاً نمی‌دانستم چگونه باید بیاموزم تا اینکه با تو آشنا شدم
.....

استعداد و آمادگی تحصیلی ویژه رشته مدیریت، (و یا GMAT) که برگرفته از آزمون بین‌المللی می‌باشد در ۵ بخش دسته‌بندی می‌شود.

- استدلال منطقی (شامل ۱۰ سوال)

- حل مسئله (شامل ۱۰ سوال)

- کفایت داده‌ها (۱۰ سوال)

- درک مطلب (۵ سوال)

- تصحیح جملات (۵ سوال)

در کتابی که پیش رو دارید تمامی این مباحث به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار گرفته و کاملاً تشریح شده‌اند. این کتاب حاصل زحمات چندین ساله اساتید مؤلف در کلاسها و استفاده از محضر اساتیدی بزرگ بوده که شایسته است در اینجا از این اساتید نام برده شود.

جناب آقای تاجیک استاد خبره درس ریاضیات، جناب آقای دکتر محمد وکیلی و جناب آقای مهندس هادی مسیح خواه اساتید استعداد تحصیلی و دوستان بسیاری که همواره در کنار ما بوده‌اند.

این کتاب تقدیمی است به اولین معلمین زندگی پدران و مادران.

امید است با مطالعه این کتاب بتوانید قدم‌های موثری در پیشرفت علمی و آموزشی خود داشته باشید.

در صورتی که علاقمند به استفاده از کلاسهای اساتید و یا ارتباط مستقیم با مولفین هستید می‌توانید با شماره تلفن (۰۲۱۸۵۰۶) - موسسه ماهان تماس حاصل فرمایید.

موفق و سربلند باشید

سید علی مدنی کزازی

احسان احمدیان

۸	فصل نخست استدلال منطقی
۵۵	آزمون ۱ تا ۶
۷۹	پاسخنامه ۱ تا ۶
۱۰۳	فصل دوم - درک مطلب
۱۴۳	آزمون‌های پایانی
۱۶۲	فصل سوم - تصحیح جملات
۲۰۰	تمرینات و آزمون‌های پایانی فصل سوم
۲۱۷	آزمون‌های پایانی بخش نخست
۲۸۰	پاسخ کلیدی آزمون‌ها
۲۸۳	فصل چهارم - حل مسأله
۳۲۷	آزمون‌های پایانی فصل چهارم
۳۶۹	فصل پنجم - بستندگی داده‌ها
۴۰۳	آزمون‌های پایانی فصل پنجم